

مالي که دزدیده مي شود

کسي که مالش دزدیده مي شود، چشمش همیشه دنبال آن است و هر چه اين مال با ارزش تر باشد تلاش او براي پس گرفتنش از سارق نیز بیشتر مي شود.



جام جم آنلاين: کسي که مالش دزدیده مي شود، چشمش همیشه دنبال آن است و هر چه اين مال با ارزش تر باشد تلاش او براي پس گرفتنش از سارق نیز بیشتر مي شود.

اما همه مالباخته ها چنين فرصتي به دست نمي آورند تا رودرروي سارق اموالشان بایستند و مال از دست رفته شان را از او مطالبه کنند، چون بیشتر وقت ها سارقان خيلي زود مال را مي فروشند يا به کالاهاي ديگر تبديل مي کنند. ولي به هر حال مالباخته بايد به مالش برسد، هرچند راه به دست آوردن مال مسروقه راهي دور و دراز است و به احتمال زياد بايد دنبال کساني بود که مال سرقتي را خریده يا حاضر شده اند آن را در محلي مخفي کنند.

به موجب قانون، اموال مسروقه که در جريان تحقيقات کشف و توقيف مي شوند بايد به دستور قاضي به کسي که مال از او به سرقت رفته بازگردانده شود، ولي اين امر مستلزم 3 شرط است؛ اول بايد عين مال مسروقه کشف شده باشد يعني اگر مال مسروقه هزار متر پارچه فاستوني بوده که پس از سرقت تبديل به کت و شلوار شده، قابليت بازگرداندن به مالباخته را ندارد، چون عين مال مسروقه تبديل شده است. دوم اين که وجود مال مسروقه نزد قاضي براي کشف حقيقت ضروري نباشد. براي مثال چنانچه بازپرس براي انجام انگشت نگاري يا ساير آزمايش هاي جنائي تشخيص دهد مال مسروقه تا انجام کارشناسي به صاحبش برگردانده نشود مال مسروقه به مالباخته مسترد نخواهد شد و سوم اين که مال به سرقت رفته معارض نداشته باشد و علاوه بر شخص شاکي، کسي مدعي مالکيت بر آن نباشد.

پس اگر اين شرايط وجود داشته و تحقيقات مقدماتي در بازپرسى به پايان رسيده باشد بازپرس بايد نسبت به مال سرقتي تصميم بگيرد، ولي با اين حال مالباخته مي تواند از زمان تشکيل پرونده تا زماني که پرونده نزد بازپرس در حال رسيدگي است با ارائه درخواست، تقاضاي استرداد مال مسروقه را داشته باشد.

گفتني است مال مسروقه در دست هر کسي که باشد چه در شهرستان محل وقوع جرم و چه در شهرستاني ديگر، قابل بازپرس گيري است؛ اما بايد دانست در اين موارد براي استرداد مال مسروقه قاضي شهرستان محل وقوع سرقت با دادن نيابت قضايي به قاضي شهرستاني که مال در حوزه قضايي آن وجود دارد، تقاضاي کشف و توقيف مال به سرقت رفته را خواهد داد.

معامله هاي مجرمانه

قانون تکليف همه کساني را که اموال سرقتي را مي فروشند، مي خرند يا آنها را پنهان مي کنند بخوبي روشن کرده است. پس کساني که آگاهانه در اين مسيرها قرار مي گيرند بايد بدانند قانون آنها را مجرم مي داند. قانون مي گويد هرگونه مداخله در مال مسروقه چه به صورت مورد معامله قرار دادن آن يا مخفي کردنش باشد به شرط آن که افراد از سرقتي بودن اين اموال باخبر باشند، مرتکب جرم شده اند و اگر مالخر خريد و فروش اموال سرقتي را حرفه خود قرار داده باشد به اشد مجازات محکوم خواهد شد. در اين ميان کسي که مال مسروقه را خریده و بابت آن پولي پرداخته، چه اين عمل را با علم انجام داده باشد و چه از آن بي خبر باشد بايد مال را به صاحبش برگرداند و پولي را که پرداخته از سارق مطالبه کند.

اما بيشتر وقت ها وضع به اين شکل نخواهد بود، چون بيشتر سارقان مال سرقتي را مي فروشند، به طوري که هيچ وقت آن مال پيدا نمي شود. در چنين شرايطي قانونگذار اين مزيت را براي شاکي در نظر گرفته که بدون رعايت تشريفات آيين دادرسي مدني يعني دادن دادخواست و ابطال تمبر و... دادگاه سارق را به رد مثل يا قيمت کالاي مسروقه به مالباخته محکوم کند.

نکته: مالباخته مي تواند از زمان تشکيل پرونده تا زماني که پرونده نزد بازپرس در حال رسيدگي است با ارائه درخواست تقاضاي استرداد مال مسروقه را داشته باشد

در اين ميان بعضي سارقان پس از محکوميت قطعي حاضر نمي شوند مال مسروقه يا پول آن را به شاکي بدهند که البته قانون در چنين مواردی نیز راهکار ارائه کرده است. در اين حالت اگر دادگاه مالي از سارق به دست بياورد آن را ضبط و به ميزان محکوميت از مال ضبط شده به نفع مالباخته برداشت مي کند، در غير اين صورت با درخواست مالباخته، سارق تا زمان پرداخت ضرر و زيان مالباخته در حبس باقي مي ماند، مگر اين که ثابت کند معسر است و به خاطر تنگدستي قادر به پرداخت بدهي اش نيست.

شايد براي کمتر مالباخته‌اي اتفاق بيفتد که مال از دست رفته اش را به همان شکل اولش دوباره به دست بياورد، چون بسياري از اموال سرقت شده پس از دزدیده شدن خسارت‌هاي زيادي مي‌بينند. البته مالباخته مي‌تواند براي جبران اين خسارت اقداماتي انجام دهد، يعني اگر فرض کنيم سارق اتومبيلي را سرقت کرده و پس از سرقت با آن تصادف کرده مالباخته مي‌تواند به همان دادگاه رسيدگي‌کننده پرونده، دادخواست مطالبه خسارت را ارائه کند و حين کار به 3 مورد توجه داشته باشد: دليل مالکيت خود بر اتومبيل را به دادخواست پيوست کند، خسارت وارد بر اتومبيل را به کمک کارشناسان برآورد کند و هزينه دادرسي را بپردازد (البته تمامي اين هزينه‌ها قابل وصول از سارق است).

مجازات‌ها

فرض کنيد 2 نفر با همدستي يکديگر لوازم خانه نفر سومي را دزدیده‌اند. طبيعي است صاحبخانه در وهله اول شوکه مي‌شود و به پليس زنگ مي‌زند. شايد هم به کلانتري محل برود، ولي صاحبخانه بايد بداند براي اين‌که پرونده سرقت لوازم خانه‌اش بدرستي پيگيري شود خودش نيز وسايل و مسووليت‌هايي دارد که مهم‌ترين آن، نوشتن زمان و مکان سرقت و فهرست دقيق اموال به سرقت رفته در متن شکايت است.

حالا اگر پس از شروع تحقيقات مشخص شود سارقان اموال را نزد ديگري پنهان کرده‌اند يا آنها را فروخته‌اند با همکاري آنها محل نگهداري اموال شناسايي مي‌شود و اگر اموال در حوزه قضايي شهرستان ديگري باشد با نيابت قضايي محل اموال کشف و پس از آن توقيف مي‌شود. در اين شرايط است که با درخواست شاکي و نبود مدعي براي اموال و ضروري نبودن نگهداري آنها اين اموال با دستور قضايي به مالباخته برگردانده مي‌شود.

البته همکاري کردن با دادگاه هرگز مانع اجراي مجازات‌هاي در نظر گرفته شده براي آنها نمي‌شود، چون اگر ثابت شود فردي حرفه اصلي‌اش خريد و فروش اموال مسروقه است به 3 سال حبس و 74 ضربه شلاق محکوم مي‌شود، يعني حداکثر مجازاتي که قانون براي اين قبيل افراد در نظر گرفته است. در اين ميان کسي که مال سرقتي را خريده است اگر ثابت شود از مسروقه بودن اموال بي‌خبر بوده تبرئه مي‌شود، اما اگر ثابت شود او با علم و اطلاع مرتکب اين کار شده (چه براي خريد و چه براي مخفي کردن اموال) به مجازات حبس از 6 ماه تا 3 سال و تا 74 ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

مریم خباز / گروه جامعه